

عفت، خاستگاه و گستره آن از نگاه قرآن و حدیث - فیض‌اله اکبری دستک  
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه  
سال شانزدهم، شماره ۶۴ «ویژه زن و خانواده»، پاییز ۱۳۹۸، ص ۷۲-۸۸

## عفت، خاستگاه و گستره آن از نگاه قرآن و حدیث

\*فیض‌اله اکبری دستک\*

**چکیده:** عفت به معنای تسلیم و انقياد شهوت در برابر عقل آدمی، از مهم‌ترین اصول و ارزش‌های اخلاقی در مکتب اسلام است. گرچه این مفهوم از سوی برخی به درستی فهم و هضم نشده و همواره آن را با مفهوم حجاب و پوشش (عفاف و حجاب) خلط نموده‌اند، خاستگاه عفت را باید در سه عنصر: عقلانیت، قاعع و غیرت جستجو نمود. بر همین مبنای، دامنه گسترده‌ای از شؤون حیات مادی و معنوی انسان‌ها همچون: عفت جنسی، عفت شکم، عفت چشم و عفت زبان را فرامی‌گیرد که آثار و کارکردهای آن در تعیین سرنوشت دنیا و آخرت آدمی، تأثیر بسزایی خواهد داشت.

**کلیدواژه‌ها:** عفت؛ عقلانیت؛ سلامت؛ خاستگاه؛ ابعاد؛ آموزه‌های اسلامی.

## ۱. مقدمه و طرح مسأله

یکی از فضائل والای دینی و اسلامی، عفت است که با مفهوم عام خود در آموزه‌های قرآن و عترت مورد توجه و تأکید فراوان قرار گرفته است.

متأسفانه از یکسو مفهوم دقیق، عمیق و وسیع عفت، به درستی فهم نمی‌شود و به محض ذکر آن، ذهن‌ها و فکرها به سوی حجاب و پوشش اسلامی رفته و به نوعی میان مفهوم عفت و حجاب اسلامی و انواع و مصاديق آن دو، به نوعی خلط می‌شود به گونه‌ای که همواره عفاف و حجاب را مترادف با یکدیگر و در یک راستا قرار می‌دهند. عده‌ای نیز عفت را صرفاً مخصوص بانوان دانسته، از حوزه تکالیف مردان جدا می‌انگارند. منشأ این انگاره نارسا را باید در تلقی نادرست و خلط مبحثی دانست که از سوی برخی درباره دو ارزش والای انسانی یعنی عفاف و حجاب پدیدار شده است، در حالی که عفت مفهومی عام‌تر نسبت به حجاب دارد چنانکه از لابه‌لای متون اسلامی استنباط می‌شود. مقاله حاضر می‌کوشد تا مفهوم‌شناسی دقیق عفت در آثار اندیشمندان اسلامی و خاستگاه عفت را تعریر کند تا در سایه شناختِ درخور واژه عفت و منزلت شایسته و خاستگاه آن، گستره این خصلت ارزشمند را روشن سازد.

## ۲. مفهوم‌شناسی عفت

لغت‌شناسان در تعریف عفت چنین نوشتند: «العفة: الکف عما لا يحلّ و لا يجمل» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۳/۹) عفت یعنی خویشتن‌داری از آنچه حلال و زیبنده نباشد. «و عف عن المحaram والاطماع الدنية» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۹۲/۱) یعنی فلاحتی از امور حرام و درخواست‌های بی‌ارزش دست کشید. برخی دیگر نیز عفت را حفظ نفس از تمایلات و شهوت‌های نفسانی آن دانسته‌اند همان‌گونه که تقوا را به معنای حفظ نفس از محرمات و آنچه موجب خلاف و گناه می‌شود، گرفته‌اند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ش: ۱۸۰/۸)

عفت در اصطلاح شریعت عبارت است از: پیدایش حالتی برای نفس که بدان سبب از غلبه شهوت امتناع می‌ورزد و شکم و دامن خویش را از خواسته‌های حرام بلکه مشتبه و نیز از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و آمیزش‌های ناپسند و از مقدمات و لوازم آن‌ها نیز باز می‌دارد. (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۳: ۱۳۵) نیز گفته‌اند عفت این است که قوّه شهوت، مطیع و منقاد عقل باشد، در خوردن و نکاح و آمیزش، از حیث کم و کیف و از آنچه عقل باز می‌دارد اجتناب کند. این حد اعتقدال است که در عقل و شرع پسندیده است. دو طرف افراط و تفریط آن ناپسند است که در همه اخلاق و احوال، حد وسط مطلوب است؛ زیرا که «خیر الأمور أوسطها». (تراتی، بی‌تا، ۲۱/۲)

گروهی از علمای علم اخلاق و لغتشناسان برای عفت قائل به مراتب و درجاتی شده‌اند و آن را متناسب با آن مرتبه و درجه تعریف می‌کنند و معتقدند که تمایلات نفسانی با توجه به اختلاف اشخاص و موارد آن تغییر می‌کند. مثلاً نوع تعفف و عفت فقیر در آیه «۲۷۳ سوره بقره»: «**لِلْفَقِرَاءِ الَّذِينَ... يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُونَ أَغْنِيَاءُ مِنَ التَّعَفُّفِ...**» بدین گونه است که عفت وی به وسیله قناعت کردن در آنچه برای او میسر است و حفظ کردن قلب از تمایلات و شهوتات به گونه‌ای که خلافی از او آشکار نگردد حاصل می‌شود؛ اما عفت در ثروتمند مطابق آیه «۶ سوره نساء»: «... وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلِيَسْتَعْفِفْ فَ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلِيأُكْلِنَ بِالْمَعْرُوفِ...» عبارت است از نگهداری نفس در نکاح در آیه «۳۳ سوره نور»: «**وَ لَيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَحِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُعْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...**» عبارت است از: نگهداری نفس درباره شهواتش، به هر وسیله‌ای که امکان‌پذیر باشد از قبیل: روزه و انصراف و عبادت و یاد خدا و تفکر؛ عفت و تعفف در زنان پیر و سالخورده نیز در آیه «۶۰ سوره نور»: «... أَنْ يَضْعُنْ ثَيَابَهُنَّ غَيْرُ مُتَبَرِّجَاتِ بِزِينَةٍ وَ أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ حَيْرٌ لَهُنَّ...» عبارت است از: حفظ و نگهداری نفوس

درباره آنچه نفس‌های آنان، آن را آرزو می‌کند از قبیل خودآرایی و خودنمایی و آشکار کردن زینت و زیورآلات. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ۱۸۰/۸؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۱۰۲/۵)

### ۳. اهمیت و منزلت عفت

آیات قرآن و روایات اسلامی، عفت را از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین فضائل انسانی و ارزش‌های اسلامی می‌داند، به گونه‌ای که بدون دارابودن آن نمی‌توان به قله‌های معرفت و کمالات دنیوی و اخروی نائل شد. عفت باید در تمام مراحل شؤون و ابعاد زندگی فرد مسلمان حضور و ظهرور داشته باشد تا به عنوان سد بزرگی در برابر خواهش‌های شیطانی و تمایلات نفسانی و سایر طمع‌کاری‌ها و آزمندی‌های مخالف با فطرت انسانی، قرار گیرد. اهمیت و منزلت بی‌نظیر این حقیقت ارزشمند اسلامی را می‌توان در لابه‌لای متون مقدس اسلامی به شرح ذیل مشاهده کرد.

#### ۳-۱. عفت، شاخصه بارز اهل ایمان

قرآن کریم در ترسیم و تصویر سیمای روش مؤمنان حقیقی و راستین، آنان را واجد اوصاف و ارزش‌های والای اخلاقی فراوانی از جمله فضیلت عفاف می‌داند که با عنصر ایمان و پارسایی آنان عجین شده است:

«وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ \* إِلَّا عَلَى أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكُتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُلُومِينَ» (المؤمنون/۵-۶)

قرآن کریم در بیان صفات بر جسته مؤمنان، عفت را بعد از نماز و زکات و پرهیز از لغو مطرح کرده و حتی آن را بر مسئله امانت و پایندی به عهد و پیمان نیز مقدم داشته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش، اخلاق در قرآن: ۳۲۳/۲)

امیر مؤمنان علی علیل در ضمن توصیه‌های خویش به محمد بن ابی‌بکر در هنگام ابلاغ حکم انتصاب وی به ولایت مصر چنین می‌فرماید: «ای محمد بن ابی‌بکر! بدان که برترین عفت، داشتن ورع در دین خداست و عمل کردن به دستورات او؛ و من

تو را سفارش می‌کنم که در کار نهان و آشکار و درون و برونت، از خدا پروا  
داری». (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۳۸۲/۸)

بنابراین، ادعای ایمان به خدا و تقوای الهی بدون رعایت عفت، نوعی دروغ و فریقتن خویش است که با اصول توحید و معاد ارتباطی نخواهد داشت؛ همچنان که امام علی علیه السلام در توصیف سیمای حقیقی پارسایان در خطبه متین، آنان را به رعایت عفت در روح و جانشان وصف می‌نماید: «**حاجاتُهُمْ حَقِيقَةٌ وَ أَنفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ**» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)، «نیاز‌هایشان سبک است و جان‌هایشان عفیف و با مناعت.»

از همین‌رو، چنین انسان‌های پارسایی در پیشگاه خداوند، از محبویت و قرب والایی برخوردارند و همواره مورد لطف و محبت پروردگار خویشند. رسول خدا علیه السلام در همین باره چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْمُتَعَفِّفَ وَ يُبْغِضُ الْبَدِئِيِّ السَّائِلِ الْمُلْحِفَ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۳۸۲/۸)؛ «خداوند شخص باحیای برخوردار از مناعت طبع را دوست می‌دارد و از سائل و قیح و سمج نفرت دارد.»

### ۳-۲. عفت، سرچشمۀ فضائل و کمالات انسانی

عفت سرچشمۀ و معدن تمام فضائل و خصلت‌های ارزشمند اسلامی و اخلاقی است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «**الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَ يُنَزِّهُهَا عَنِ الدَّنَاءِ، عَلَيْكَ بِالْعَفَافِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ شَيْءٍ الْأَشْرَافِ**» (همان)؛ «عفت، انسان را حفظ می‌کند و از زشتی‌ها بیرون می‌کشد. بر تو باد که عفت را پیشه خود سازی که این خوبی، بهترین خصلت انسان‌های شرافتمند است.»

در حدیث دیگری می‌فرماید: «**الْعَفَافُ رَأْسُ كُلِّ حَيْرٍ**» (همان)؛ «عفت در رأس همه خوبی‌هاست.» نیز می‌فرماید: «**الْعِفَافُ أَفْضَلُ الْفُتُوَّةِ**» (همان)؛ «عفت برترین جوانمردی است.»

### ۳-۲. عفت، والاترین عبادات و سرمایه انسانی

آموزه‌های اسلامی، از عفت به عنوان برترین و والاترین نوع عبادت فرد مؤمن یادکرده و سرمایه عفت و پاکدامنی را ماندگارترین سرمایه انسان در دوران زندگی وی، برشمرده‌اند. امام حسین علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان امام علی علیه السلام چنین می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ» (نزاقی، بی‌ت: ۲۲): «برترین عبادت، عفاف است.» در حدیثی دیگر، برترین عبادت‌ها را تنها در عفت می‌داند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ شَيْءٌ وَاحِدٌ وَهُوَ الْعَفَافُ» (احسان بخش، ۱۳۷۱: ۲۹۵/۳): انسان مسلمان برای آنکه وظيفة بندگی خویش و طریق عبادت پروردگار را به جای آورده، باید آن را در عفاف بیابد که فرموده‌اند: «أَرَبِّنُ الشَّيْمِ الْحِلْمُ وَالْعَفَافُ» (آمدی، ۱۳۷۸: ۱۸۳/۱): «آراسته‌ترین خصلت‌ها به کار بستن حلم و عفت است.»؛ «إِنَّ الْحَيَاةَ وَالْعِفَافَ مِنْ خَلَاقِ الْإِيمَانِ وَإِنَّهُمَا لَسَجِيَّةُ الْأَخْرَارِ وَشِيمَةُ الْأَبْرَارِ» (همان، ۱۴۵/۱): «به راستی که حیا و عفت از اخلاق اهل ایمان و آن دو شیوه آزادگان و نیکان است.»

نیز، آن را خصلت هوشمندان و زیرکان بیان داشته است: «الْعِفَافُ شِيمَةُ الْأَكْيَاسِ سَيِّئَةُ الشَّدَّةِ الْأَرْجَاسِ» (آمدی، ۱۳۷۸: ۴۷۸/۲): «عفت، خوی زیرکان و طمع، خصلت پلیدان است.» نیز، آن را بهترین همنشین و علامت خردمندان و قناعت پیشگان می‌داند: «عَلَيْكَ بِالْعِفَافِ فَإِنَّهَا نِعْمَ الْفَرِيقِينَ» (آمدی، ۱۳۷۸: ۴۷۸/۲): «مالازم عفت باش که آن نیکو همدمنی است.»؛ «يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِالْعِفَافِ وَالْقَنَاعَةِ» (آمدی، ۱۳۷۸: ۸۶۳/۲): «بر خردمندی آدمی بدین گونه پی‌برده می‌شود که خود را به زیور عفت و قناعت آراسته دارد.»

در تعالیم اسلامی، از عفت به عنوان زیور فقر مؤمن و برترین اعمال و بهترین نوع دخیره مسلمان یاد شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعَفَافُ زِيَّةُ الْفُقْرِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۳۸۲/۸): «عفت، زیور و زینت تهییدستی است.» نیز می‌فرماید: «بر

شما باد که ملازم عفت و امانتداری باشید؛ زیرا که آن‌ها شریفترین کارهای پنهانی شما و برترین اعمال آشکارتان و برترین پس‌اندازهایتان می‌باشد.» (احسان بخش، ۱۳۷۱: ۲۹۱۳)

بنابر فرمایش امام علی علیه السلام، فرد تهیdestت با نادری به شدت دست و پنجه نرم می‌کند ولی عفت سبب می‌شود که انسان عفیف را هم‌تراز با مقام فرشتگان برشمرد که اجر شهید نیز از آن فراتر نخواهد رفت، آنجا که فرمود:

«مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَ، لَكَادَ الْغَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴): «کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود، اجرش بزرگ‌تر از آن کسی نیست که بتواند گناه کند ولی چنین نکند و عفت ورزد؛ چرا که انسان عفیف نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا شود.»

#### ۴. خاستگاه عفت

با مراجعه به متون اصیل روایی، ریشه‌ها و زیرساخت‌های عفت را می‌توان حداقل در سه محور اصلی مورد شناسایی و تحلیل قرار داد که ذیلاً بدان اشاره می‌شود.

##### ۴-۱. عقل

عقل از بزرگ‌ترین مواهب الهی در حق انسان است تا به مدد آن راه صلاح را از مسیر ضلالت امیاز دهد و به سرمنزل مقصود نائل گردد. عقل یکی از منابع و ابزارهای شناخت دین در کنار قرآن و سنت است. لذا انسان خردمند با استعانت از موهبت عقل، عفت را در نهاد خویش نهادینه می‌سازد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «مَنْ عَقَلَ عَفَ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۳۸۲/۸)؛ «آنکه خرد ورزد، عفیف گردد.»

عقل سبب فرو کاستن از شهوات نفسانی انسان و حرکت او به سوی عفت می‌گردد. آن حضرت می‌فرماید: «إِذَا كَمْلَ الْعُقْلُ نَفَصَتِ الشَّهْوَةُ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۳۱۴/۱): «آنگاه که عقل آدمی، کامل گردد، خواهش‌ها و شهوات وی فرو کاهد» نیز می‌فرماید: «لَا عَقْلٌ مَعَ شَهْوَةٍ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۸۳۳/۲): «با داشتن عقل، شهوت در کار نیست.» در بیانی دیگر فرمود: «الصَّبَرُ عَنِ الشَّهْوَةِ عِفَةٌ وَ عَنِ الْغَضَبِ نَجْدَةٌ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۸۲/۸): «خویشن‌داری از شهوت عفت است و خویشن‌داری از خشم شجاعت.»

#### ۴-۲. قناعت

دو مین ریشه عفاف را باید در قناعت نفس و مناعت طبع پی گرفت. امام علی علیه السلام قناعت را اصل و ریشه عفت می‌داند و چنین می‌فرمایند: «وَ أَصْلُ الْعَفَافِ الْقَنَاعَةُ وَ ثَمَرَّهَا قِلْةُ الْأَحْرَانِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۸۲/۸): «ریشه عفت، قناعت است و میوه‌اش کم شدن اندوه‌ها.»

حضرت علی علیه السلام به نقش تعیین کننده قناعت و آثار و برکات آن در پاکی درون و عفت نفس، این گونه اشاره و تأکید می‌نمایند: «مَنْ قَبَعَتْ نَفْسُهُ أَعْانَتْهُ عَلَى النَّزَاهَةِ وَ الْعَفَافِ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۶۷۲/۲): «هر که نفسش قانع شد، او را در عفت و پاکی کمک کرد» و در بیانی دیگر، می‌فرماید: «مَنِ افْتَنَعَ بِالْكَفَافِ أَدَّاهُ إِلَى الْعَفَافِ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۶۷۸/۲): «هر کس به آنچه او را بس باشد، بسازد و قناعت کند؛ این کار او را به سوی عفاف بکشاند.»

امام علی علیه السلام همچنین فرمود: «لَيْسَ مَعَ الشَّرِّ عَفَافٌ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۵۹۶/۲): «با وجود آزمندی بسیار، عفاف پدیدار نگردد.» آن حضرت در حدیثی دیگر، می‌فرماید: «لَا قناعتَةَ مَعَ الشَّرِّ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۸۳۳/۲): «با وجود حرص بسیار، هیچ قناعتی در کار نخواهد بود.»

## ۴-۳. غیرت

غیرت یکی دیگر از زمینه‌ها و بسترهاي عفت است. البته غيرت منحصر در مسائل جنسی و حوزه ناموسی نیست بلکه در مسائل دینی و تربیتی فرزندان و حتی در مسائل مالی و امثال آن نیز جريان دارد از امام صادق علیه السلام فرمود: «غیور یکی از اوصاف خداوند است و به سبب همین سبب زشتی‌های درونی و بیرونی را حرام می‌داند.» (نراقی، بی‌تا: ۲۶۵/۱) ارتباط مستقیم و تنگاتنگ میان عفت و غيرت در کلام حضرت علی علیه السلام آشکار است: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى فَدْرِ هَمَّتِهِ وَ عِفْتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرِتِهِ» (محمدی شهری، ۱۳۷۷ش: ۳۸۲/۸): «ارزش آدمی به اندازه همت اوست و عفت او نیز به اندازه غیرتش.» نیز می‌فرماید: «دَلِيلُ غَيْرَةِ الرَّجُلِ عِفْتُهُ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۴۰۱/۱): «راهنمای غيرت مرد، عفت اوست.»

## ۵. ابعاد و گستره عفت

عفت ابعاد و انواع گوناگونی دارد که حوزه‌های مختلف شخصیت آدمی، اعم از گفتاری، رفتاری و حتی دیداری و شنیداری را شامل می‌شود. رعایت زینت عفاف در تمامی شؤون یادشده می‌تواند گامی در راه اصلاح درون و مبارزه با رذایل اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی انسان، تلقی گردد. ابعاد و انواع گوهر عفاف را می‌توان در موارد ذیل دسته‌بندی کرد:

### ۵-۱. عفت جنسی (عفت دامن)

غريزه جنسی از سركش‌ترین غرائز موجود در نهاد آدمی است که چنانچه به طرز صحیح و منطقی مهار و مدیریت نشود، صدمات و لطمات جبران ناپذیری به بار خواهد آورد. اين غريزه را خداوند، از مهم‌ترین مواضع آزمایش بندگان قرار داده است.

برخی از مکاتب بشری در برخورد با پدیده غرایز جنسی راه افراط یعنی آزادی جنسی را پیشنهاد داده‌اند گروهی دیگر نیز، راه تفریط یعنی سرکوبی غرایز جنسی را در پیش گرفته‌اند.

ولی آیین اسلام، راه اعتدال را در پیش گرفته است، به گونه‌ای که آن را بخشی از ساختمان فطرت آدمی می‌داند و برای مهار و مدیریت صحیح آن راهکارهایی ارائه می‌کند.

یکی از مهم‌ترین این راهکارها و گام برداشتن در مسیر عفت دامن، پیشنهاد ازدواج و تشکیل خانواده است که آن را برابر با دستیابی به نیمی از سهم دین وی دانسته است. رسول خدا ﷺ درباره اهمیت ازدواج فرموده است: «مَنْ تَرَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلُيَتَّقِ اللَّهُ فِي نِصْفِهِ الْآخِرِ» (پایندۀ، ۱۳۷۸: ۵۶)، «هر کس ازدواج نماید به درستی که نیمی از دین خود را به دست آورده است، پس باید با رعایت تقوا در به دست آوردن نصف دیگر آن بکوشد». لذا به کسانی که به هر دلیلی شرایط و امکانات مادی و معنوی ازدواج برای آنان فراهم نیست، رعایت عفت و خویشن‌داری را توصیه می‌کند «وَ لَيُسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (آل‌آل‌البيت، ۳۳).

پیشنهاد این عفت منحصر به دوران تجرد ناشی از عدم ازدواج برای جوانان نیست. امیر مؤمنان علیہ السلام نیز در باره اطلاق این دامها می‌فرماید: «الشَّهَوَاتُ مَصَابِدُ الشَّيْطَانِ» (آمدی، ۱۳۷۸/۱: ۹۹): «شهوت‌ها دام‌های شیطان‌اند».

نیز هشدار می‌دهد: «إِيَّاكُمْ وَ غَلَبةَ الشَّهَوَاتِ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ فَإِنَّ بِدَائِتَهَا مَلَكَةٌ وَ نِهَايَتَهَا هَلَكَةً» (آمدی، ۱۳۷۸/۱: ۱۶۰): «بر شما باد، به دوری کردن از اینکه شهوت در دل‌های شما رخنه افکنند؛ زیرا که ابتدای آن بندگی کردن و آخر آن، هلاکت و تباہی است».

در باره عدم رعایت عفت جنسی امام باقر علیہ السلام در ضمن نصائح خویش به یکی از اصحاب خویش به نام نجم می فرماید: «ای نجم! همه شما در بهشت با ما هستید، ولی چقدر زشت است که کسی از شما در حالتی که پرده شرم را کنار زده و زشتی هایش آشکار شده باشد، داخل بهشت شود. نجم گفت: آیا واقعاً همه ما اهل بهشتیم؟ فرمود: آری، مگر اینکه شکم و فرج خود را حفظ نکنید.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۰/۶۸)

خداؤند افراد عفیف را دوست می دارد. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيِّيَّ الْمُتَعَفِّفَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۰/۶۸): «به راستی که خداوند دوست دار هر فرد با حیا و پاکدامنی است.»

در مورد تأثیر عفاف، امام صادق علیہ السلام می فرماید: «عُفُوا عَنِ النِّسَاءِ تَعْفُّنِ النِّسَاءِ كُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۰/۶۸): «نسبت به زنان مردم عفت ورزید تا نسبت به زنان شما عفت ورزند.»

## ۵-۲. عفت شکم (عفت در خوردن و خوراک)

یکی دیگر از انواع غرائز آدمی، غریزه خوردن و آشامیدن است که از دقت در مورد آن به عفت شکم تعبیر می شود.

در قرآن، ضمن اشاره این که انواع مواهب آسمانی و زمینی، را در اختیار انسان قرار داده، از ضرورت رعایت الگوی مصرف و پرهیز از اسراف یاد می کند و چنین دستور می دهد: «كُلُوا وَاشْرُبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» (الاعراف/۳۱).

قرآن کریم در آیات و تعبایر دیگری از ضرورت رعایت عفت در شکم یاد کرده و از مفاهیمی همچون لقمه حلال، رزق پروردگار، غذای حلال پاکیزه، به عنوان مصاديق عفت در خوردنی ها نام می برد: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمُ اللَّهُ حَالًا طَيِّبًا...» (التحل/۱۱۴:)

الحادي عشر/٨٨): «فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا...» (الأنفال/٦٩): «كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ...» (سبأ/١٥): «كُلُوا و ارْعُوا أَنْعَامَكُمْ...» (طه/٥٤).

دسته‌ای دیگر از آیات، انواعی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را یاد می‌کند که ریشه گوهر عفاف را در آدمی می‌خشکاند، جنس لقمه‌های حرام و شبه‌های نمونه‌های آن در نصوص وحیانی چنین است:

\* مال مردم خوری: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ...» (النساء/٢٩)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در میان خود اموال‌تان

را به ناحق مخورید مگر اینکه به وسیله دادوستد و یا رضایت طرفین باشد...»

\* خوردن مال یتیم: «إِنَّ الَّذِينَ يُأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يُأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَحْلُونَ سَعِيرًا» (النساء/١٠)، «آن کسانی که ظالمانه و بی‌رحمانه اموال یتیمان را می‌خورند، جز این نیست که در شکم خود آتش فروخورند و بهزودی در آتش درآیند.»

\* رباخواری: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعْنَكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/١٣٠)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا مخورید، در حالی که چند برابر سرمایه است و از خدا بترسید تا که رستگار شوید.»

\* امام علی علیه السلام در تعبیری دقیق و کوتاه، شکم را دشمن انسان می‌داند: «بَطْنُ الْمَرْءَ عُذُوفٌ» (آمدی، ۱۳۷۸/۱: ۳۴۳)؛ «شکم انسان، دشمن اوست.»

\* آن حضرت در تعبیر دیگری، لقمه حرام را بدترین نوع طعام می‌شناساند: «بِسْر الطَّعَامُ الْحَرَامُ» (آمدی، ۱۳۷۸/۱: ۳۴۳). حضرتش ضمن نصایح خود به فرماندار خویش عثمان بن حنیف بر پرهیز شدید وی از لقمه‌های شبه‌های این چنین تأکید می‌ورزد: «فَمَا اشْتَبَّهَ عَلَيْكَ عِلْمٌ فَأَنْفِظْهُ» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵)، «آنچه از غذاها را که حلال بودنش برایت روشن و قطعی نبود، از دهان بیرون انداز.»

\* البته رعایت عفت شکم باعث پیدایش و گسترش فرهنگ سلامتی و طبعاً جامعه سالم خواهد شد. امام علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «قِلْهُ الْأَكْلِ تَمْنَعُ كَثِيرًا مِنْ أَعْوَالِ الْجِسمِ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۵۳۷/۲): «کم خوری جلوی بسیاری از بیماری‌های جسمی را می‌گیرد.»

### ۳-۵. عفت در نگاه (عفت چشم)

در مكتب اسلام، نگاه کردن چشم به محیط پیرامونی خود نیز تابع احکام، دستورات و شرایط ویژه و در عین حال منحصر به فردی است که "عفت چشم" نام دارد.

قرآن کریم همه افراد جامعه ایمانی یعنی هم مردان و هم زنان را به‌طور مساوی به رعایت عفت در نگاه‌های غرض‌آلود دستور داده و آن را مقدمه مهار شهوت جنسی و عفت دامن همگانی دانسته است.

«فَلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُبُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكِيٌّ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» (آل‌آل‌الله‌آبادی: ۳۰-۳۱).

تقدیم مردان بر زنان در رعایت و کنترل چشم در مفاد این آیه می‌رساند که ابتدا باید مردان عفت پیشه کنند و از نگاه‌های آلوده و غیرمجاز پرهیز کنند، هرچند صراحةً آیه هر دو گروه مردان و زنان مؤمن را به‌طور مساوی به رعایت عفت در نگاه‌ها دستور داده است.

در روایات اسلامی نیز بر اهمیت کنترل نگاه‌ها و ضرورت عفت چشم بسیار تأکید شده است. رسول اکرم ﷺ در حدیث خویش، نگاه غرض‌آلود به نامحرم را تیر آلوده شیطان می‌داند: «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسِ فَمَنْ تَرَكَهَا حَوْفًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى أَعْطَاهُ إِيمَانًا يَجْدُ حَلَاوَةً فِي قَلْبِهِ» (تراتیب، بی‌تا: ۱۸/۲)، «نظر انداختن، تیر زهر‌آلودی است از تیرهای شیطان؛ پس هر که خود را از بیم خدای تعالی از آن

نگاه دارد، خداوند ایمانی به او عطا فرماید که شیرینی آن را در دل خویش بیابد.» آن حضرت همچنین در حدیث دیگری، آسیب چشم چرانی را متذکر شده و آن را زنای چشم داشته است: «برای هر عضوی از اعضا آدمی بهره‌ای از زناست، چشم‌ها نیز زنا می‌کنند و زنای آن‌ها نگریستن است.» (نراقی، بی‌تا، ۱۸/۲)

۸۵

#### ۴-۵. عفت در بیان و کلام (عفت زبان)

یکی دیگر از ابعاد عفت را باید در موضوع عفت زبانی و گفتاری کلام جستجو نمود.

زبان ابزار سخن‌گفتن و رابطه برقرار کردن در میان مردم است و نسبت به سایر اعضا و جوارح بدن، موقعیت و امتیاز فوق العاده‌ای دارد.

همین برای آن قائل به لزوم عفت در کلام و رعایت ادب می‌شوند. غیبت، تهمت، افتراء، دروغ، عیب‌جویی، مسخره کردن، دادن القاب زشت و... از جمله آزارها و آفات زبان هستند.

در این‌باره پیشوایان معصوم علیه السلام با تعابیر و شیوه‌های گوناگونی از لزوم رعایت عفت در بیان و کلام سخن گفته‌اند. پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم در حدیث خود از ضرورت مهار زبان یاد کرده است: «إِنَّ أَكْثَرَ حَطَّاً يَا ابْنَ آدَمَ فِي لِسَانِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۷)؛ «بیش‌ترین حجم اشتباهات انسان در زبان اوست.» امام صادق علیه السلام نیز درباره لزوم مراقبت از زبان در راستای عفت سخن چنین می‌فرماید: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَانِهِ حَافِظًا لِلِسَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۰/۷)؛ «بر انسان عاقل واجب است که به زمان خویش آگاه باشد، به شأن و ارزش خود روی آورد و زبان خویشتن را حفاظت نماید».

در برخی دیگر از احادیث، از ضرورت تفکر و ارزیابی قبل از سخن گفتن به عنوان ابزار کنترل زبان و نیز حرکت در جاده عفت کلام یاد کرده‌اند. حضرت

علی عليه السلام در این باره می فرماید: «(شخصیت) آدمی در زیر زبانش نهفته است، پس کلام خود را بسنج و آن را بر عمق و دانش خود عرضه کن، اگر آن کلام برای خدا و در راه خدا بود آن را بگو؛ و اگر غیر از این بود، سکوت کردن از سخن گفتن بهتر است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۵/۷۷) به مقایسه فرد عاقل با احمق در هنگام سخن گفتن پرداخته، چنین می فرماید: «لسانُ العاقِلٍ وَرَأْءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَأْءَ لِسَانِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰)، «زبان عاقل، در پشت قلب او جای دارد و قلب احمق، پشت زبان اوست.» یعنی اینکه انسان عاقل اول سخن را می سنجد و بعد آن را می گوید، اما فرد احمق پس از گفتن، سخن را می سنجد و می بیند که بدحرفی زده است.

برخی دیگر از احادیث، از سکوت پسندیده به عنوان راهکار عملی در تحقق عفت سخن یاد کرده‌اند. رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم فرموده است: «مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمُرْءِ تَرَكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ» (ورام ابن فراس، ۱۳۷۸/ش: ۲۰۸)، «از جمله نشانه‌های بر جسته مسلمان بودن آدمی، ترک سخنان بیهوده و نامربوط است.» ایشان در حدیثی دیگر، آفت پرحرفی را چنین توصیف می نماید: «هر کس سخشن زیاد شد لغوش‌های وی نیز زیاد می گردد و هر کس که لغوشش زیاد شد، گناهانش افزون می شود و آن که گناهانش افرون شد، آتش بر او سزاوارتر است.» (شیر، ۱۳۷۴/ش: ۲۴۹)

فحاشی نیز آفت زبان است. رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم درباره چنین افرادی می فرماید: «خداؤند؛ فحش دهنده‌گان بد دهن و فریادکننده‌گان در بازار را دوست نمی دارد.» (شیر، ۱۳۷۴/ش: ۲۵۵)، همچنان که در حدیث دیگری می فرماید: «داخل شدن در بهشت به هر انسان ناسزاگو و فحش دهنده حرام است.» (شیر، ۱۳۷۴/ش: ۲۵۶)

## ۶. نتائج مقاله

مهم‌ترین نتائج و دستاوردهای مقاله حاضر را می توان در موارد ذیل تبیین نمود:

۱- عفت به عنوان بنیادی ترین فضیلت اخلاقی در فرهنگ و معارف اسلامی از منزلت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که همواره به عنوان نماد بارز اهل ایمان، سرچشمۀ فضائل و کمالات انسانی معرفی شده است.

۲- برخی مفهوم دقیق، وسیع و جامع واژه عفت و تعفف را به درستی درک و نکرده و عمدتاً به نوعی آن را با مفهوم حجاب بانوان خلط نموده‌اند.

۳- منشأ عفت را باید در سه مؤلفه اساسی: عقلانیت، قناعت و غیرت، یافت. فرد مؤمن با تمسک و توسل بدان‌ها تعفف می‌ورزد، غلبه شهوات و نفسانیات بر عقل را مانع می‌شود.

۴- عفت دارای ابعاد و گستره وسیعی در حیات مادی و معنوی انسان‌های مسلمان است، به گونه‌ای که شمول آن در قلمرو عفت دامن، عفت در خورد و خوراک، عفت در نگاه و نیز عفت در بیان و گفتار، شاهد گویایی بر این مدعاست.

### کتابنامه

#### قرآن کریم

**نهج البلاغه**، ۱۳۸۰ش، ترجمه محمد دشتی، بوشهر، نشر موعود اسلام.

۱. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۸ش، **غرض الحكم و درراكلم**، ترجمه و شرح: سیده‌اشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر.

۳. احسان‌بخش، صادق، ۱۳۷۱ش، **آثار الصادقین**، رشت، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه رشت.

۴. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۷۸ش، **نهج الفصاحه**، تهران، انتشارات دنیای دانش.

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، **المفردات في غريب القرآن**، تهران، انتشارات مرتضوی.

۶. شبر، سید عبدالله، ۱۳۷۴ش، **الأخلاق**، ترجمه: محمدرضا جباران، قم، انتشارات هجرت.

٧. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
٨. فراهبدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، **العین**، قم، انتشارات هجرت.
٩. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، **بحار الانوار**، بیروت، دارالأضواء.
١٠. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷ش، **میزان الحکمة**، قم، دارالحدیث.
١١. مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۳ش، **درس هایی از اخلاق**، ترجمه: حسین استاد ولی، تهران، انتشارات الهادی.
١٢. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، **التحقيق في كلمات القرآن الكريم**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
١٣. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۹ش، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالكتب الاسلامیه.
١٤. نراقی، محمدمهدی، بی‌تا، **جامع السعادات**، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
١٥. ورام ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۳۷۸ش، **مجموعه ورام**، قم، انتشارات مکتبة الفقیه.